

همزه در زبان فارسی

اثر: دکتر عالیه کردزعفرانلو کامبوزیا

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

(از ص ۲۸۳ تا ۳۰۲)

چکیده:

تا کنون مطالب و مقالات بسیاری دربارهٔ انسداد چاکنایی در زبان فارسی نگاشته شده است و شبهات زیادی در مورد این همخوان در زبان فارسی وجود دارد. بعضی از نویسندگان با استناد به بعضی شواهد آن را جزو واج‌های زبان فارسی نمی‌دانند و بعضی دیگر با ارائه شواهدی آن را یکی از واجگان این زبان می‌دانند، اما کاربرد آن با استثنائات فراوانی همراه است. آیا انسداد چاکنایی که در ابتدای بعضی از کلمات زبان فارسی وجود دارد، در زیرساخت کلمه جزو واج‌های آن کلمه است یا حاصل فرآیند درج می‌باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، در ابتدا کلماتی که در زبان فارسی با انسداد چاکنایی آغاز شده‌اند، از فرهنگ‌ها و منابع مورد نظر استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی بر مبنای توزیع انسداد چاکنایی در سایر مواضع و جایگاه‌های هجا بوده است. مثلاً آیا انسداد چاکنایی، علاوه بر آغاز، در پایانهٔ هجانیز دیده می‌شود؟

واژه‌های کلیدی: لایهٔ مبنا، آغاز، پایانه، ارتقاء.

مقدمه:

تاکنون مطالب و مقالات بسیاری درباره انسداد چاکنایی در زبان فارسی نگاشته شده است و شبهات زیادی در مورد این همخوان در زبان فارسی وجود دارد. بعضی از نویسندگان با استناد به بعضی شواهد آن را جزو واج‌های زبان فارسی نمی‌دانند و بعضی دیگر با ارائه شواهدی آن را یکی از واجگان این زبان می‌دانند، اما کاربرد آن با استثنائات فراوانی همراه است. آیا انسداد چاکنایی که در ابتدای بعضی از کلمات زبان فارسی وجود دارد، در زیرساخت کلمه جزو واج‌های آن کلمه است یا حاصل فرآیند درج می‌باشد؟ برای پاسخ به این سوال، در ابتدا کلماتی که در زبان فارسی با انسداد چاکنایی آغاز شده‌اند، از فرهنگ‌ها و منابع مورد نظر استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی بر مبنای توزیع انسداد چاکنایی در سایر مواضع و جایگاه‌های هجا بوده است. مثلاً آیا انسداد چاکنایی، علاوه بر آغاز، در پایانه هجا نیز دیده می‌شود؟ نگارنده در ضمن بررسی داده‌ها، کلماتی را که با انسداد چاکنایی آغاز شده‌اند، به سه دسته تقسیم کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲- توزیع انسداد چاکنایی درمحل آغاز و پایانه هجا

بعضی از داده‌های فارسی که در ابتدای آنها انسداد چاکنایی به کار رفته است:

(الف)	(ب)	(ج)	(۱)
?orf عرف	?adab ادب	?alu آلو	
?abd عبد	?axar آخر	?alude آلوده	
?ellat علت	?asar اثر	?agah آگاه	
?acs عکس	?amn امن	?avard آورد	
?elm علم	?amr امر	?avaz آواز	
?atf عطف	?ons انس	?amuz آموز	
?ozr عذر	?acid اکید	?ab آب	
?adl عدل	?iman ایمان	?amad آمد	
?ešq عشق	?avval اول	?antize انگیزه	
?adžale عجله	?axz اخذ	?andiše اندیشه	
?omr عمر	?acl اکل	?axtar اختر	
?adžz عجز	?adžr اجر	?oftade افتاده	
?arz عرض		?engar انگار	
?esmat عصمت		?in این	
?ahd عهد		?andud اندود	
?asr عصر		?afzar افزار	
?aqide عقیده			

چنانکه در (۱) دیده می‌شود، کلیه کلمات فوق با انسداد چاکنایی آغاز می‌شوند، به طوری که در ستون (الف) صورت حرفی انسداد چاکنایی با (ع) و در دو ستون (ب) و (ج) با صورت حرفی (أ) دیده می‌شود.

حال انسداد چاکنایی را در این سه گروه کلمه در جایگاه دیگری غیر از آغاز هجا، یعنی در پایانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای این منظور لازم است،

صورت‌های اشتقاقی دیگری که از این ستاک‌ها به دست می‌آید، مورد توجه قرار گیرد.

(ج)	(ب)	(الف)	
ta?dib→ta:dib	تأدیب	ma?ruf→ma:ruf	معروف
ta?xir→ta:xir	تأخیر	ta?rif→ta:rif	تعریف
ta?sir→ta:sir	تأثیر	ma?bud→ma:bud	معبود
ta?min→ta:min	تأمین	ma?lul→ma:lul	معلول
ma?mur→ma:mur	مأمور	ma?kus→ma:kus	معکوس
ma?nus→ma:nus	مأنوس	ma?lum→ma:lum	معلوم
ta?cid→ta:cid	تأکید	ta?lim→ta:lim	تعلیم
mo?men→mo:men	مومن	ma?tuf→ma:tuf	معطوف
ta?vil→ta:vil	تأویل	ma?zur→ma:zur	معذور
ma?xaz→ma:xaz	مأخذ	ta?dil→ta:dil	تعديل
ma?kul→ma:kul	مأکول	ma?šuuq→ma:šuuq	معشوق
ma?džur→ma:džur	مأجور	ta?džil→ta:džil	تعجيل
		ta?mir→ta:mir	تعمير
		mo?džeze→mo:džeze	معجزه
		?e?džaz→?e:džaz	اعجاز
		ta?riz→ta:riz	تعريض
		ma?sum→ma:sum	معصوم

همانطور که ملاحظه می‌شود، انسداد چاکنایی موجود در ابتدای کلمات (۱) قسمت‌های (الف) و (ب) در صورت‌های اشتقاقی (۲) قسمت (الف) و (ب) در

پایانه هجا نیز دیده می‌شود، اما کلمات (۱) قسمت (ج) صورت اشتقاقی دیگری که در آن انسداد چاکنایی بتواند در پایانه هجا قرار گیرد ندارند.

حال هرکدام از گروه کلمات (الف)، (ب) و (ج) در (۱) را در ترکیب با تکواژهای دیگر بررسی می‌کنیم، به طوری که هرکدام از این ستاک‌ها به عنوان دومین تکواژ در ترکیب به کار روند. در داده‌های زیر تکواژ اول به عنصر همخوانی ختم می‌شود.

(الف)	(ب)	(ج)	(۳)
ham ?aqide		همآهنگ	hamahant
ham ?ahd		همآورد	hamavard
ham ?asr		هم آغوش	hamaquš
bad ?ahd		همین	hamin
		همان	haman
		بد آواز	badavaz
		شرم‌آور	šarmavar
		دل‌آرام	delaram
		نرم‌افزار	narmafzar
		سخت‌افزار	saxtafzar
		مردافکن	mardafcan

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

چنانکه ملاحظه می‌شود، کلمات گروه (الف) در چند کلمه معدود، دارای ترکیب هستند. در مورد کلمات گروه (ب) ترکیب یافت نشد، اما در مورد کلمات گروه (ج) ترکیبات فراوانی در زبان فارسی دیده می‌شود. بررسی سه گروه کلمات فوق نشان می‌دهد که انسداد چاکنایی در بعضی از کلمات توزیع کامل دارد، یعنی هم در آغاز و هم پایانه هجا دیده می‌شود. توزیع کامل انسداد چاکنایی در کلمات

فوق در گروه‌های (الف) و (ب) وجود دارد، اما انسداد چاکنایی در کلماتِ گروه (ج) توزیع کامل ندارد، یعنی فقط در جایگاه آغاز، فقط در ابتدای کلمه دیده می‌شود. انسداد چاکنایی در جایگاه آغاز در میان کلمه و در ترکیب قاموسی یا در جایگاه پایانه در کلماتِ گروه (ج) حضور ندارد. وضعیتِ آرمانی در واج‌شناسی این است که واحدهایی به عنوان واحدهای واجی زیرساختی در نظر گرفته می‌شوند که در تمام مواضع ممکن در ساختِ هجا به کار روند، اما انسداد چاکنایی در کلماتِ گروه (ج) توزیع ناقص دارد، زیرا فقط در جایگاه آغاز، آن هم در ابتدای کلمه دیده می‌شود. توزیع ناقص انسداد چاکنایی در کلماتِ گروه (ج) به این دلیل است که این همخوان در زیرساخت حضور ندارد و از طریق فرآیند «درج» در ابتدای کلماتی که با واکه آغاز می‌شوند درج می‌گردد.

درج انسداد چاکنایی در ابتدای کلماتی که با واکه آغاز می‌شوند، به دلیل ویژگی خاصِ هجای زبان فارسی است. هر هجای زبان فارسی ضرورتاً دارای آغاز است که یک عنصرِ همخوانی در این جایگاه قرار می‌گیرد. در صورتی که تکواژ یا کلمه‌ای در زبان فارسی با واکه آغاز شود، این جایگاه آغاز تهی با یک انسداد چاکنایی پر می‌شود، که قاعده آن به صورت زیر است:

$$\phi \rightarrow \begin{array}{c} x \\ | \\ ? \end{array} / \# \text{---} v \quad (۴) \text{ قاعده درج انسداد چاکنایی در محل آغاز وقتی کلمه با واکه آغاز می‌شود.}$$

در فرآیند ساختِ کلماتِ مرکب، در صورتی که دومین تکواژ از کلماتِ گروه (ج) باشد و تکواژ اول به عنصرِ همخوانی ختم شده باشد، نیازی به درج انسداد چاکنایی نیست، زیرا همخوانِ پایانیِ ستاک یا تکواژ اول در محل آغاز تکواژ دوم قرار می‌گیرد.

از آنجایی که آغاز هجا همانند سایر جایگاه‌های هجا دارای یک جایگاه مبنایی است، کلماتی که در زیرساخت فاقد انسداد چاکنایی هستند، در لایه مبنای نیز فاقد این جایگاه می‌باشند. از اینرو در هنگام ترکیب دو تکواژ، یک جایگاه مبنایی از پایانه هجای قبلی به آغاز تهی تکواژ دوم انتقال می‌یابد درست مانند پسوندی

که با واکه آغاز می‌شوند. به همین دلیل، ترکیب در چنین کلماتی همیشه موجب کاهش وزنِ هجای قبلی به لحاظ کمی می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که جایگاه آغاز در چنین کلماتی فاقد جایگاه مبنا است و در حالت کلمه مجزا از طریق فرآیند درج یک انسداد چاکنایی همراه با جایگاه مبنایی در آغاز درج می‌شود، چنانکه قاعده فوق نشان می‌دهد، اما در حالت ترکیب، این درج از طریق پایانه هجای قبلی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، صورت اشتقاقی «درد انگیز» [dardantiz] را از زیرساخت تا روساخت بررسی می‌کنیم:

(الف)	/#antiz#/	بازنمایی زیرساختی	بازنمایی کلمه «انگیز» در حالت
(الف)	?antiz	درج انسداد چاکنایی (۴)	کلمه مجزا
	[?antiz]	بازنمایی روساختی	
(ب)	/#dard+antiz#/	بازنمایی زیرساختی	(ب) بازنمایی ترکیب «درد انگیز»
	---	قاعده درج انسداد چاکنایی (۴)	
	[dardantiz]	بازنمایی روساختی	

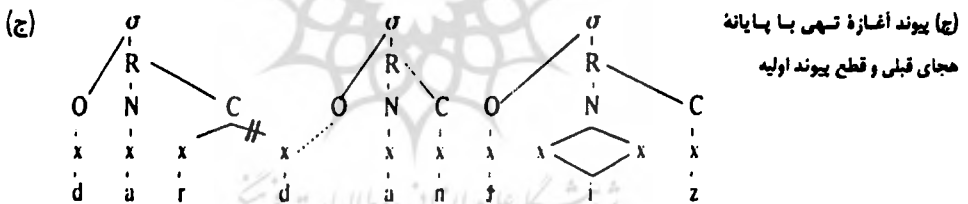
بازنمایی‌های فوق نشان می‌دهد که درج انسداد چاکنایی در ابتدای کلمه در صورت لزوم بعد از طی مراحل ساختواژی، صورت می‌گیرد. در فرآیند ترکیب، هرکدام از اجزاء یک تکواژ هستند که مجموعاً یک کلمه مرکب می‌سازند و انسداد چاکنایی در ابتدای کلمه درج می‌شود نه در ابتدای تکواژها. در کلمه مرکب «درد انگیز» نیازی به درج انسداد چاکنایی نیست، زیرا در آغاز کلمه یک همخوان یعنی d، حضور دارد. در ابتدا صورت اشتقاقی «انگیز» را از زیرساخت تا روساخت همراه با لایه هجا بازنمایی می‌کنیم.

نتیجه، جایگاه مبنا نیز ندارد. از طرفی هر هجای زبان فارسی ضرورتاً باید دارای یک عنصر همخوانی در جایگاه آغاز به باشد، از اینرو، آغاز تھی به جایگاه مبنای پایانه هجای قبلی متصل می‌شود.

(ب) قاعده ضرورت وجود عنصر همخوانی
 در آغاز هجای زبان فارسی

$$\phi \rightarrow \begin{array}{c} x \\ | \\ c \end{array} / \begin{array}{c} \sigma \\ | \\ v \end{array}$$

قاعده فوق نشان می‌دهد که یک عنصر همخوانی همراه با جایگاه مبنا در ابتدای هجایی با آغاز تھی قرار می‌گیرد.



فرآیند فوق نشان می‌دهد که انتقال یک همخوان از پایانه تکواژ اول به جایگاه آغاز دوم، موجب کاهش وزن هجای اول به لحاظ کمی شده است، یعنی هجای سنگین CVCC به هجای متوسط CVC تبدیل شده که در نتیجه آن یک سازه هجا از پایانه به آغاز هجای بعد انتقال یافته است. این وزن کاهش یافته به آغاز هجای بعد منتقل شده است. در نتیجه، این فرآیند می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد که جایگاه آغاز در زبان فارسی مورایی و دارای وزن است، چرا که در تغییر وزن هجای قبل از خود تأثیر دارد. اگر بازنمایی فوق را با بازنمایی صورت اشتقاقی [daffe] از زیرساخت /daf?e/ مقایسه کنیم، تفاوت انسداد چاکنایی زیرساختی و انسداد

چاکنایی حاصل از فرآیند درج در بازنمایی‌ها مشخص می‌شود.
 بازنمایی صورت اشتقاقی [daffe] از صورت زیرساختی /daf?e/:

(الف)



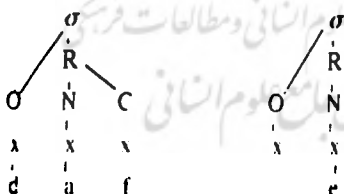
(الف) بازنمایی زیرساختی

(ب)



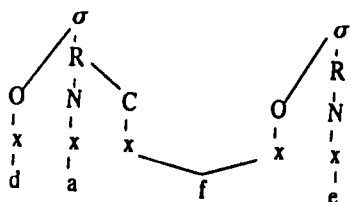
(ب) حذف انسداد چاکنایی

(ج)



(ج) پیوند آغازۀ تهی با پایانه هجای قبل

(د)



(د) بازنمایی روساختی

چنانکه بازنمایی فوق نشان می‌دهد، حذف انسداد چاکنایی زیرساختی، موجب کاهش وزنِ هجای قبلی به لحاظ کمی نمی‌شود، زیرا جایگاه زمانمند انسداد چاکنایی در آغاز هجا وجود دارد. به همین دلیل، موجب کشش همخوان ماقبل یا به وجود آمدن تشدید می‌شود و در طول این فرآیند، هجای اول به صورت CVC ثابت باقی می‌ماند. اما در مثال (۷) هجای CVCC به هجای CVC تبدیل می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که جایگاه آغاز نیز بخشی از وزن هجایی را در زبان فارسی به خود اختصاص می‌دهد و یک سازه هجا یا مورا محسوب می‌شود.

درج انسداد چاکنایی در ابتدای کلمات در زبان‌های دیگری مانند زبان «کاروکی»^(۱) یکی از زبان‌های بومی امریکا نیز صورت می‌گیرد. در این زبان نیز تمام کلمات و هجاها با یک همخوان آغاز می‌شوند (کنستویچ، ۱۹۹۴، واج‌شناسی در دستور زایشی، ص ۹۷).

در کلمه مرکب «آب انبار» پس از طی مراحل ساختوازی در صورت نیاز، انسداد چاکنایی در ابتدای کلمه مرکب درج می‌گردد:

(۹)	$\#ab+ambar\#$	بازنمایی زیرساختی
	$abambar$	ترکیب دو تکواژ
	$?abambar$	درج انسداد چاکنایی در ابتدای کلمه
	$[?abambar]$	بازنمایی روساختی

در واژه مرکب «پرآب» [porab]، تکواژ «پر» همراه با تکواژ «آب» یک صفت مرکب ساخته است، مانند صفت‌های «پرکار» و «پررو»، در چنین حالتی نیاز به درج انسداد چاکنایی در ابتدای تکواژ «آب» [+ab] به عنوان جزء دوم ترکیب نیست. اما در عبارت وصفی «پر آب» [por ?ab] واژه «پر» نقش صفت را برای اسم «آب» ایفا می‌کند. در نتیجه هرکدام از کلمات «پر» و «آب» یک واژه مستقل محسوب

می‌شوند. در چنین مواردی، انسداد چاکنایی در ابتدای کلمه مستقل «آب» [ʔab] درج می‌شود.

در کلمات مرکبِ قاموسی زیر، نیازی به درج انسداد چاکنایی نیست، زیرا در ابتدای کلمه مرکب یک همخوان وجود دارد: (۱۰)

šahara	شهرآرا	jadavari	یادآوری	sirab	سیراب
hamava	هم آوا	delafruz	دل افروز	darab	داراب
poravaze	پراوازه	delakšub	دل آشوب	bonarb	بناب
sarandžam	سرانجام	delazorde	دل آزرده	sarab	سراب
saraqaz	سراغاز	delantiz	دل انگیز	golab	گلاب
karagah	کارآگاه	surantiz	شورانگیز	sejkrb	سیلاب
karazmude	کارآموده	mehrantiz	مهرانگیز	mordab	مرداب
karamad	کارآمد	šurafarin	شورآفرین	šardab	شاداب
karamuz	کارآموز	nicandis	نیک اندیش	dardavar	دردآور
dozkrb	دزدآب	nicaxtar	نیک اختر	randžavar	رنج آور
xodagah	خودآگاه	xejrandis	خیر اندیش	nanavar	نان آور
karofade	(از) کارافزاده	xunulud	خون آلود	sudavar	سود آور
bandandaz	بندانداز	sahlengar	سهل انگار	qirandud	قیر اندود
zirandaz	زیرانداز	tirandaz	تیرانداز	mrlanduži	مال اندوزی
danelafza	دانش افزا	barandaz	بارانداز	badamuzi	بد آموزی

در چنین ترکیب‌هایی اگر انسداد چاکنایی بین دو تکواژ قاموسی درج شود، در این صورت، این دو تکواژ دیگر یک کلمه مرکب تشکیل نمی‌دهند بلکه دو کلمه

مستقل در نظر گرفته می شوند.

چنانکه دیدیم و با توجه به قاعده (۴)، بعضی از کلمات فارسی، در زیرساخت دارای جایگاه آغازی تهی هستند، که از طریق فرآیند درج آغازی، این جایگاه با یک انسداد چاکنایی پر می شود. به طور مثال، واژه «آمد» را از زیرساخت تا روساخت بازنمایی می کنیم:

را از زیرساخت تا روساخت بازنمایی می کنیم:

(۱۱)

/#amad#/

بازنمایی زیرساختی

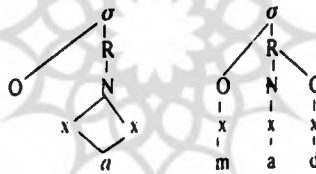
?amad

قاعده درج آغازی (۴)

[?amad]

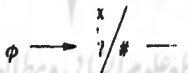
بازنمایی روساختی

(الف)



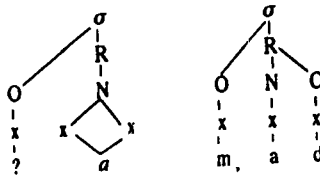
(الف) بازنمایی زیرساختی

(ب)



(ب) قاعده درج آغازی

(ج)



(ج) بازنمایی روساختی

از آنجایی که غلتِ ز دارای مشخصه [+افراشته] و واکه پیشوند be غیرافراشته است، از اینرو نوعی همگونی در مشخصه افراستگی میان واکه پیشوند be و غلتِ z به وجود می‌آید و واکه غیرافراشته e به واکه افراشته [i] تبدیل می‌شود که به قاعده ارتقاء^(۱) واکه مشهور است.

(۱۵)

e → i / - + z

(الف)

(الف) قاعده ارتقاء واکه پیشوند be به روش خطی

همخوان -افراشته -پسین -افتاده	→	+افراشته	/	+همخوان +افراشته -پسین	→	+همخوان +افراشته -پسین
--	---	----------	---	------------------------------	---	------------------------------

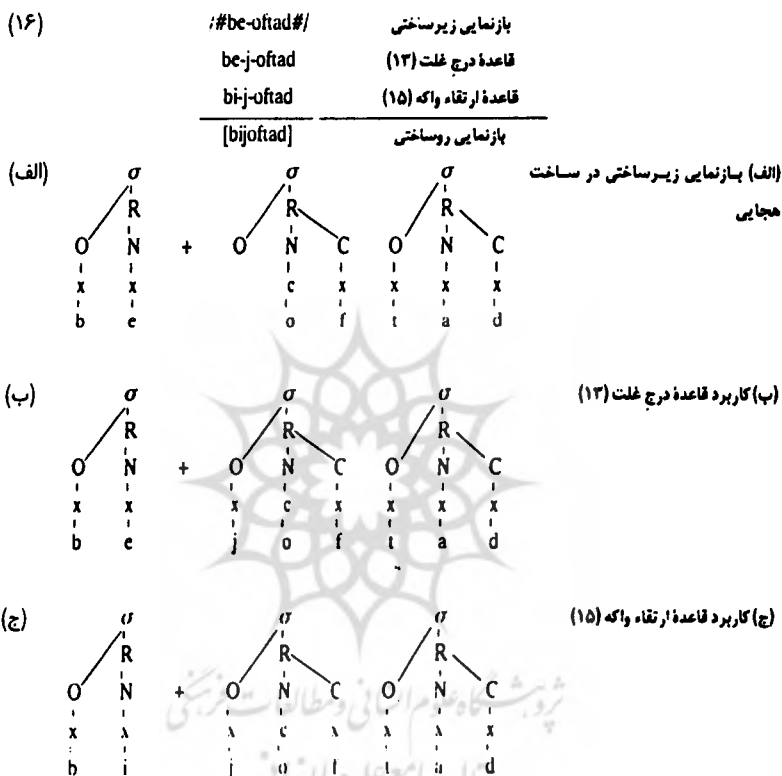
(ب)

(ب) قاعده ارتقاء واکه به روش

غیرخطی

$$\begin{array}{c}
 \text{v} \quad \quad \quad \text{c} \\
 \text{بدنه‌ای} \quad \quad \quad \text{بدنه‌ای} \\
 \text{[پسین] [افراشته] [افراشته] [پسین] [افتاده]}
 \end{array}$$

قاعده فوق نشان می‌دهد که واکه پیشوند be، قبل از غلتِ z به واکه افراشته i تبدیل می‌شود. حال با توجه به قاعده‌های فوق، صورت اشتقاقی «بیفتد» را از زیرساخت تا روساخت بازنمایی می‌کنیم:



در این بازنمایی، قاعده درج غلت (۱۳)، قاعده ارتقاء واکه (۱۵) را تغذیه می‌کند، یعنی کاربرد قاعده (۱۳)، درون داد جدیدی برای اعمال قاعده (۱۵) فراهم می‌آورد که قبلاً در صورت زیرساختی کلمه وجود نداشت. در این بازنمایی واکه [i] روساختی، یک جایگاه زمانمند را در لایه مبنا به خود اختصاص داده است که نشان دهنده کوتاه بودن واکه مذکور می‌باشد. این واکه در زیرساخت، e بوده و در اثر عملکرد قاعده ارتقاء واکه به [i] تبدیل شده است.

در صورت‌های اشتقاقی زیر دو فرآیند درج غلت و ارتقاء واکه به صورت فوق به کار رفته است:

(۱۷)	bijandaz	بینداز	bija	بیا
	bijafcan	بیفکن	bijamuz	بیاموز
	bijandiš	بیندیش	bijavar	بیاور
	išje	چیپه (چه است)	bijaviz	بیاویز
			bijafarin	بیافرین

ملاحظات تاریخی نیز نشان می‌دهد که غلبت میانجی بعد از تکواژهای *na* و *be* قبل از فعل‌هایی که با واکه شروع می‌شوند، به کار می‌رفته است. صادقی (۱۳۶۵)، مجله زبان‌شناسی، شماره ۶، ص ۳ - ۲۲) می‌نویسد: «دو تکواژ *be* و *na* در زبان پهلوی با یاء مجهول به صورت *be:* و *ne:* تلفظ می‌شده‌اند. تلفظ این دو تکواژ در دوره‌های بعد، تحول یافته و به صورت *be* و *ne* درآمده و *ne* با یک تحول دیگر به *na* بدل شده است. تلفظ *ne* هنوز در بسیاری از مناطق ایران متداول است. مثلاً در گویش لری بویراحمدی سه فعل «نیامد»، «نیامرد» و «نینداخت» به شکل *nijamad*، *nijavard* و *nijandaxt* تلفظ می‌شوند... شکی نیست که یاء مجهول این دو تکواژ، موجب ظهور زبانه عنوان همخوان میانجی در بافت‌های مذکور شده است.»

در کلمات زیر، در مرز دو واژه مستقل، اگر کلمه دوم با واکه آغاز شود، انسداد چاکنایی در ابتدای کلمه درج می‌شود.

(۱۸)	xane-je ?anha	خانه آنها	be ?ostad	می‌شود. به استاد
	del-e ?u	دل او	be ?u	به او
	setare-je ?aseman	ستاره آسمان	be ?anha	به آنها
			be ?emruz	به امروز

بین یک ستاک اسمی یا فعلی و ضمائر متصل و شناسه‌ها، در صورت التقای واکه‌ها، یک انسداد چاکنایی به عنوان همخوان میانجی درج می‌شود.

(۱۹)	dide-?id	دیده‌اید	xane-?aš	خانه‌اش
	borde-?ast	برده است	name-?am	نامه‌ام
	xorde-?im	خورده‌ایم	kašane-?at	کاشانه‌ات
	xande-?and	خوانده‌اند	rafte-?am	رفته‌ام

اما در ترکیب‌های زیر، پس از عملکرد فرآیندهای ساختوازی، نیازی به درج انسداد چاکنایی بین دو تکواژ نیست، زیرا دیگر التقای واکه‌ها وجود ندارد.

(۲۰)	xosim	خوشیم	tupaš	توپش
	miravi	می‌روی	cetabam	کتابم
	xanande	خواننده	daftarat	دفترت

بعد از تکواژ دستوری «می» [mi] در صورتی که ستاک‌هایی به کار روند که با واکه آغاز شده‌اند، در گفتار رسمی یک انسداد چاکنایی در ابتدای ستاک درج می‌شود، اما در گفتار غیر رسمی و محاوره‌ای با توجه به مشخصه [-پسین] واکه اول، غلبت ز بین دو واکه درج می‌شود.

(۲۱)	<u>گفتار غیر رسمی</u>	<u>گفتار رسمی</u>	<u>صورت نوشتاری</u>
	mijad	mi-?ajad	می‌آید
	mijandazim	mi-?andazim	می‌اندازیم
	mijoftad	mi-?oftad	می‌افتد

نتیجه:

۱- در کلمات موجود در زبان فارسی دو نوع انسداد چاکنایی دیده می‌شود، یک انسداد چاکنایی زیرساختی و دیگری انسداد چاکنایی حاصل از فرآیند درج.

۲- انسداد چاکنایی زیرساختی هم در آغاز و هم در پایانه هجا به کار می‌رود، یعنی توزیع کلامل دارد و در صورت حذف موجب کشش جبرانی می‌شود. اما انسداد چاکنایی حاصل از فرآیند درج، فقط در آغاز هجا دیده می‌شود و در پایانه به کار نمی‌رود، از اینرو توزیع ناقص دارد و در صورت حذف منجر به کشش جبرانی نمی‌گردد. در واج شناسی، واحدهایی به عنوان عناصر زیرساختی در نظر گرفته می‌شوند که توزیع کامل دارند، یعنی در سه جایگاه آغازی، میانی و پایانی واژه‌ها به کار می‌روند.

۳- در کلمات مرکب که از دو پایه تشکیل شده‌اند و تکواژ دوم با واکه آغاز می‌شود، این ترکیب همیشه موجب کاهش وزن هجای پایانی تکواژ اول به لحاظ کمی و مورایی می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که اولاً جایگاه آغاز در تکواژ دوم، فاقد جایگاه زمانمند در لایه مبنا است، ثانیاً، کاهش وزن هجای ماقبل و انتقال یک جایگاه به آغاز تکواژ دوم، گویای این حقیقت است که جایگاه آغاز در زبان فارسی مورایی است.

۴- بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که انسداد چاکنایی زیرساختی دارای یک جایگاه زمانمند در لایه مبنا است اما انسداد چاکنایی حاصل از درج، در لایه مبنا، فاقد جایگاه زمانمند می‌باشد، زیرا حذف انسداد چاکنایی زیرساختی منجر به کشش جبرانی می‌گردد اما حذف انسداد چاکنایی حاصل از درج، منجر به کشش جبرانی نمی‌گردد.

منبع:

- ۱- حق شناس، علی محمد، آواشناسی، تهران، انتشارات آگاه ۱۳۵۶.
- ۲- _____، مقالات ادبی، زبان‌شناختی، تهران، انتشارات نیلوفر ۱۳۷۰.
- ۳- _____، «همزه در زبان و خط فارسی»، تهران، چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی ۱۳۷۶.
- ۴- درزی، علی، «کشش جبرانی مصوت‌ها در فارسی محاوره‌ای امروز»، مجله زبان‌شناسی، سال دهم، شماره ۲، ۱۳۷۵، صفحه ۵۸ - ۷۴.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه.

۶- صادقی، علی اشرف، «التقاء مَصوتها و مسألة صامت‌های میانجی»، مجله زبانشناسی، شماره ۶، ۱۳۶۵، ص ۳ - ۲۲.

7-Kenstowicz, M. *Phonology in Generative Grammar*, Oxford: Blackwell, 1994.

8-Goldsmith, J. "*Autosegmental Phonology*", MIT PHD dissertation (published 1979), Newyork: Garland, 1976a.

9- -----, *Autosegmental and Metrical Phonology*, Oxford: Basil Blackwell, 1990.

10- Durand, J. and katamba, F. *Frantiers of Phonology*, Harlow: langman, 1995.

